



## فقه ۳

کرایش تفسیر و علوم قرآن

درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

## درس ۳۰

کتاب ارث

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای باقریان

## مقدمه

در درس های گذشته، برخی از احکام حَجَب را ارائه نموده و مستندات آنها را مورد بررسی قرار دادیم. از جمله احکام یاد شده، حاجب بودن قتلی است که عمداً و از روی ظلم باشد؛ که در این درس، مستندات هر یک از قیود این حکم را ارائه می نماییم.

ما در این مسأله با روایاتی مواجه هستیم که با نظر مشهور فقها مبنی بر ارث بردن شخصی که دیگری را از روی خطا کشته باشد مخالف است. به این معنی که این روایات قتل خطایی را نیز حاجب معرفی کرده اند. توجیه این روایات و جمع آنها با روایات دیگر از بحث های مهم این درس به شمار می رود.

در ادامه ی این درس به بررسی حکم حاجب بودن رقیت و بندگی و نیز حاجب بودن زنا خواهیم پرداخت و مستندات هر یک را ارائه نموده و با نظرات فقها در رابطه با احکام یاد شده آشنا خواهیم شد.

## متن عربی

٤- و اما تحقق الحجب بالقتل عمدا ظلما

فهو مما لا خلاف فيه، فالقاتل لا يرث المقتول. و الروايات في ذلك متواترة، كصحيحة ابي عبيدة: «سألت ابا جعفر عليه السلام عن امرأة شربت دواء و هي حامل و لم يعلم بذلك زوجها فالقت ولدها فقال: ان كان له عظم و قد نبت عليه اللحم عليها الدية تسلمها الى ابيه، و ان كان حين طرحته علقه او مضغه فان عليها اربعين دينارا او غرة تؤديها الى ابيه. قلت له: فهي لا ترث ولدها من ديته مع ابيه؟ قال: لا، لأنها قتلتته فلا ترثه» و غيرها.

٥- و اما التقييد بكون القتل عمدا

فهو المشهور. و يدل عليه صحيح عبد الله بن سنان: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل قتل امه أ يرثها؟ قال: ان كان خطأ ورثها، و ان كان عمدا لم يرثها» و غيره.

و اما ما ورد في رواية العلاء بن فضيل عن ابي عبد الله عليه السلام: «... و لا يرث الرجل الرجل اذا قتله و ان كان خطأ» و مثله في رواية الفضيل بن يسار فهو ضعيف السند بمحمد بن سنان في الاول و بالارسال و غيره في الثاني فلاحظ.

٦- و اما التقييد بكون القتل ظلما

فلا خلاف في اعتباره. و قد يوجّه بانصراف دليل المنع الى القتل العمدى فيبقى القاتل خطأ مشمولاً لمطلقات الارث. و يؤيد التقييد بالظلم رواية حفص بن غياث التي رواها الشيخ و الصدوق بسندهما عن سليمان بن داود المنقري عن حفص بن غياث:

«سألت جعفر بن محمد عليهما السلام عن طائفتين من المؤمنين احدهما باغية و الاخرى عادلة اقتتلوا فقتل رجل من اهل العراق اباه او ابنه او اخاه او حميمه و هو من اهل البغي و هو وارثه أ يرثه؟ قال: نعم لأنه قتله بحق». و المنقري المعروف بابن الشاذكوني و ان كان ثقة، و هكذا الحال بالنسبة الى حفص، فانه ثقة، الا ان طريق العلمين الى المنقري ضعيف بالقاسم بن محمد الاصفهاني الذي لم تثبت وثاقته فلاحظ، الا ان ذلك لا يمنع من التمسك بها على مستوى التأييد.

٧- و اما الحجب بالرقية فلا خلاف فيه، فالرق في الوارث او الموروث مانع من الارث لصحيحة محمد بن مسلم عن احدهما عليهما السلام: «لا يتوارث الحر و المملوك» و غيرها.

٨- و اما الحجب بالزنا

فلا خلاف فيه أيضا، فلا توارث بين الولد و الزاني و لا بينه و المزني بها. و الروايات في ذلك متعددة، كصحيحة الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام: «أيما رجل وقع على وليدة قوم حراما ثم اشتراها فادعى ولدها فانه لا يورث منه شيء فان رسول الله صلى الله عليه و آله قال: الولد للفراش و للعاهر الحجر» و غيرها.

## برخی دیگر از ادله‌ی موانع ارث

### حاجب بودن قتل عمدی و از روی ظلم

قتل عمد و به ناحق، از جمله مواردی است که مانع ارث بردن شخص قاتل از ماترک مقتول می‌شود. اقدام قاتل در به قتل رساندن شخص مقتول به چند صورت قابل تصور است:

۱: قتل خطایی و یا شبه عمد<sup>۱</sup>؛ در این صورت قاتل اگر جزو وارثان میت باشد، از ارث محروم نمی‌شود؛ چه آنکه قتل غیر عمدی حاجب به شمار نمی‌رود.

۲: قتل عمدی؛ در قتل عمدی، دو صورت قابل تصور است:

الف: اقدام قاتل در به قتل رساندن مقتول، صرفاً اعمال حق خویش بوده است؛ مثلاً ممکن است قاتل به منظور قصاص اقدام به قتل نموده باشد، به این صورت که پس از حکم حاکم شرع مبنی بر مجازات اعدام، اقدام به قتل وی نموده باشد.

مسلم است که نفی توان قاتل را صرفاً به دلیل اعمال حق خویش (مبنی بر قصاص و یا هر حق دیگری که مبتنی بر حکم حاکم شرع باشد)، از ارث بردن ماترک مقتول محروم نمود.

ب: اقدام قاتل به کشتن مقتول، ظلمانی و به ناحق بوده است؛ در این صورت، قاتل نفی تواند ماترک مقتول را به ارث ببرد، هر چند که اگر قتل از او سر نمی‌زد، ارث به او تعلق می‌گرفت ولی به این دلیل که قتل موجب می‌شود تا اموال مقتول به وارثانش تعلق بگیرد، قاتل به دلیل اعمال قتل، از این نتیجه محروم می‌شود.

روایاتی نیز بر حاجب بودن قتل (اگر عمدی و ظلمانی باشد) دلالت دارند و به گونه‌ای هستند که با توجه به تعداد راویان، به حد تواتر رسیده‌اند.<sup>۲</sup> علاوه بر آنکه حکم به حاجب بودن قتل، اجماعی است و مخالفی در این زمین ه تلفت نمی‌شود.

از جمله روایاتی که بر حکم مزبور دلالت دارند می‌توان به صحیح‌ی ابوعبیده حذاء از امام محمد باقر (ع) اشاره نمود که در آن از امام محمد باقر (ع) چنین سوال می‌شود که «زنی آبستن بوده و به قصد سقط جنین، با نوشیدن دوایی سبب سقط جنین خود شد و شوهرش از این کار اطلاعی ندارد؛ در این صورت حکم او چگونه است؟ امام محمد باقر (ع) حکم مسأله را چنین بیان می‌دارند که اگر گوشت و استخوان جنین سقط شده تشکیل شده باشد، پرداخت دیه بر زن واجب است و باید آن را به شوهر خود که پدر جنین است پرداخت نماید؛ و اگر جنین

<sup>۱</sup>. قتل شبه عمد زمانی تحقق می‌یابد که قاتل قصد آسیب رساندن به مقتول را داشته است ولی با توجه به قرائن و شواهد (که از جمله آنها می‌توان به ابزار قتل که معمولاً در این نوع قتل‌ها کشنده نیست اشاره کرد) مشخص می‌شود که قصد به قتل رساندن مقتول را نداشته است.

<sup>۲</sup>. مراد از روایات متواتر، روایاتی هستند که با توجه به بی شمار بودن راویان آنها در هر طبقه، اجتماع راویان بر کذب محال باشد؛ به عبارت دیگر، دیگر، با توجه به کثیر بودن راویان، غیر ممکن است که راویان تبانی بر کذب نهوده باشند و صدور روایت از معصوم، قطعی است.

سقط شده به صورت علقه و مضغه باشد چهل دینار یا عبد یا امه‌ای به قیمت چهل دینار، به پدر جنین پرداخت نماید.<sup>۱</sup>

راوی چنین سوال کرد که «آیا مادری که جنین خود را سقط نموده نیز سه‌می از دیه‌ای که به پدر می‌پردازد دارد؟» حضرت فرمود: «مادری که جنین خود را عمداً سقط نموده ارث نفی برد زیرا او قاتل است».

### تطبیق

۴- و اما تحقق الحجب بالقتل عمداً ظلماً فهو مما لا خلاف فيه،

و اما تحقق حجب به سبب قتل عمدی و از روی ظلم (به ناحق) چیزی است که هیچ اختلافی در آن نیست. فالقاتل لا يرث المقتول.

بنابر این قاتل از مقتول ارث نمی‌برد (هرچند در طبقه‌ای باشد که اگر قتل از او سر نزده بود ارث می‌برد). و الروایات فی ذلک متواترة، کصحیحة ابی عبیده: «سألت ابا جعفر علیه السلام عن امرأة شربت دواء و هی حامل و لم یعلم بذلک زوجها فالقت ولدها

روایات متواتری در این زمینه رسیده از جمله آنها صحیحه ابو عبیده حذاء از امام محمد باقر است که: «سؤال کردم در مورد زن آبستری که با نوشیدن دوائی سبب سقط جنین خود شد و شوهرش از این کار خبر ندارد حکمش چیست؟

فقال: ان كان له عظم و قد نبت عليه اللحم عليها الدية تسلمها الى ابيه، و ان كان حين طرحته علقه او مضغة فان عليها اربعين دینارا او غرة<sup>۲</sup> تؤديها الى ابيه.

امام فرمود: اگر جنین به صورت استخوانی بوده که بر روی آن گوشت روییده در این صورت بر این زن دادن دیه واجب است که باید آن را به شوهرش که پدر جنین است بدهد و اگر زمانی که جنین را سقط کرده علقه یا مضغه بوده باید چهل دینار (یا عبد یا امه‌ای به این قیمت) به پدر جنین بدهد».

قلت له: فهي لا ترث ولدها من ديتة مع ابيه؟

راوی سؤال کرد: آیا این مادر از فرزندش همراه با شوهرش از این دیه ارث نفی برد؟

قال: لا، لأنها قتلتها فلا ترثه<sup>۳</sup> و غيرها.

امام فرمود: نه، زیرا او را کشته است پس ارث نمی‌برد». و غیر این روایت، احادیث دیگری نیز در این موضوع وجود دارد.

Sco ۱ ⇒ ۵:۵۰

۱. لازم به ذکر است که اشاره‌ی حدیث یاد شده به پرداخت دیه به پدر جنین، سهم دیگر وارثان احتمالی را از دیه مزبور نفی نمی‌کند؛ بنابراین اگر به هر دلیلی تمامی وارثان طبقه‌ی اول جنین یاد شده از ارث محروم بودند، دیه به طبقه‌ی بعدی پرداخت می‌شود.

۲. الغرة - بالضم - عبد او أمة. و فی بعض الأحادیث تحدید قیمتها بأربعین دینارا.

۳. وسائل الشیعة ۱۷: ۳۹۰ الباب ۸ من ابواب موانع الارث الحدیث ۱.

## دلیل لزوم عمدی بودن قتلی که حاجب است

مشهور فقها قید عمدی بودن را در قتلی که حاجب است ذکر کرده اند؛ به عبارت دیگر، مشهور فقها معتقدند که تنها قتلی می تواند حاجب و مانع ارث بردن قاتل از ماترک مقتول شود که عمدی باشد و ادله ای که از ارث بردن قاتل منع می کند انصراف به قتل عمد دارد؛ بنابراین، قتل خطائی از نظر مشهور فقها حاجب نیست و مانع از ارث بردن قاتل از ماترک مقتول نمی شود؛ هر چند که ارث بردن قاتل از دیه ای که بابت قتل خطایی می پردازد مورد اختلاف است.<sup>۱</sup>

روایاتی نیز بر این مطلب که صرفاً قتلی می تواند حاجب باشد که به صورت عمد واقع شود دلالت دارند؛ از جمله این روایات می توان به صحیحی عبد الله بن سنان از امام صادق (ع) اشاره نمود که در آن از امام صادق (ع) سوال می شود «آیا مردی که مادرش را کشته از او ارث می برد؟» امام (ع) اینگونه پاسخ دادند: «اگر قتل خطایی بوده از او ارث می برد و اگر قتل عمدی باشد از او ارث نمی برد».<sup>۲</sup>

غیر از روایت یاد شده، روایات دیگری نیز بر این مضمون دلالت دارند.

## روایات دال بر عدم ارث در قتل خطایی

در مقابل روایات یاد شده که که مثبت حکم مزبور هستند، دو روایت وجود دارد که دلالت بر عدم ارث در قتل خطایی دارند؛ یکی از آن دو، روایت علاء بن فضیل از امام صادق (ع) است که امام (ع) در آن می فرمایند: «مرد از مردی که او را کشته ارث نمی برد، هر چند که قتل خطایی باشد». حدیث فضیل بن یسار نیز دومین حدیثی است که بر عدم ارث در قتل خطایی دلالت دارد.

## اشکال این روایات

روایت علاء بن فضیل و روایت فضیل بن یسار، به دلیل ضعف سند نمی توانند بر عدم ارث در قتل خطایی دلالت کنند. ضعف سند در روایت علاء بن فضیل، به دلیل وجود محمد بن سنان در بین راویان می باشد؛ چه آنکه از نظر برخی از رجالین، روایات نقل شده توسط محمد بن سنان جزو روایات ضعیف به شمار می روند.<sup>۳</sup> ضعف سند در روایت فضیل بن یسار نیز به دلیل مرسع بودن روایت یاد شده است.

## جمع بین روایات

برخی از فقها در جمع این دو دسته از روایات چنین گفته اند که روایاتی که ارث بردن قاتل در قتل خطایی را منع می کنند، ناظر به دیه قتل هستند؛ به عبارت دیگر، این دسته از روایات، صرفاً ارث بردن قاتل در قتل خطایی از دیه ای که بابت قتل می پردازد را منع می کنند؛ و روایاتی که حاکی از ارث بردن قاتل از ماترک مقتول در قتل خطایی هستند، انصراف به غیر دیه از ماترک مقتول دارند.

<sup>۱</sup> در مورد این مسأله که آیا در قتل خطایی، قاتل از دیه ای که بابت قتل می پردازد ارث می برد یا نه، در آینده بحث خواهیم کرد.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة ۱۷: ۳۹۰ الباب ۸ من ابواب موانع الارث الحدیث ۱.

<sup>۳</sup> البته بسیاری از بزرگان علم رجال، روایت محمد بن سنان را ضعیف نمی دانند؛ در نظر این بزرگان، روایت فضیل، موثق علی صحیح می باشد.

## دلیل لزوم ظالمانه بودن قتلی که حاجب است

ظالمانه و به ناحق بودن، از جمله صفات قتلی است که مانع از ارث می‌شود و فقها نیز بر آن اتفاق نظر دارند؛ به عبارت دیگر، ادله‌ای که از ارث بردن قاتل منع می‌کنند انصراف به قتلی دارند که ظالمانه و به ناحق هستند. بنابراین اگر قتل عمدی باشد ولی به منظور قصاص و یا به حکم حاکم شرع و امام و یا در جنگ (با یاقیان) باشد، مشمول قتل موضوع روایات یاد شده نمی‌شود.

شیخ طوسی و شیخ صدوق روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کنند که هر چند سند آن ضعیف است، اما می‌توان به عنوان مؤید حکم مزبور از آن استفاده نمود.

در این روایت از امام صادق (ع) چنین سؤال می‌شود که دو طایفه از مسلمین با یکدیگر می‌جنگند که گروهی یاقی و متجاوز و گروهی در راه حق می‌جنگند؛ در این جدال، مردی از اهل عراق، پدر یا پسر یا برادرش یا خویشاوندش را که از گروه یاقیان و متجاوزان است می‌کشد در حالی که وارث او می‌باشد؛ آیا در این صورت نیز از او ارث می‌برد؟ امام (ع) فرمودند: آری؛ زیرا او را به حق کشته است.

در سلسله سند این روایت، از طرفی سلیمان بن داود منقری، معروف به ابن شاذکونی و از طرفی دیگر حفص بن غیاث هستند که هر دو از نظر وثاقت مورد تأیید می‌باشند ولی در طریق راویان این حدیث، قاسم بن محمد اصفهانی واقع شده که وثاقت او ثابت نشده و مورد تأیید علمای علم رجال نمی‌باشد؛ بنابراین نمی‌توان این حدیث را به عنوان دلیل مورد استفاده قرار داد ولی می‌توانیم از آن به عنوان مؤید بهره ببریم.

### تطبیق

۵- و اما التقیید بكون القتل عمدا فهو المشهور.

و اما مقید کردن قتل حاجب به اینکه عمدی باشد، مشهور این قید را ذکر کرده‌اند. و یدل علیه صحیح عبد الله بن سنان: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل قتل امه أیرثها؟ قال: ان كان خطأ ورثها، و ان كان عمدا لم یرثها»<sup>۱</sup> و غیره.

و بر این مطلب صحیح عبد الله بن سنان از امام صادق دلالت دارد که پرسید: مردی مادرش را کشته آیا از او ارث می‌برد؟ امام فرمود: اگر قتل خطایی بوده از او ارث می‌برد و اگر قتل عمدی باشد ارث نمی‌برد و غیر این روایت. و اما ما ورد فی روایة العلاء بن فضیل عن ابی عبد الله عليه السلام:

در مقابل این روایات دو روایت دیگر وجود دارد که بر عدم ارث در قتل خطایی دلالت دارد مانند روایت علاء بن فضیل از امام صادق که فرمود:

«... و لا یرث الرجل الرجل اذا قتله و ان كان خطأ»<sup>۲</sup>

«مرد از مردی که او را کشته ارث نمی‌برد هر چند قتل خطایی باشد.»

۱. وسائل الشیعة ۱۷: ۳۹۲ الباب ۹ من ابواب موانع الارث الحدیث ۲.

۲. وسائل الشیعة ۱۷: ۳۹۲ الباب ۹ من ابواب موانع الارث الحدیث ۴.

و مثله فی روایة الفضیل بن یسار<sup>۱</sup>

مانند این روایت حدیثی است که فضیل بن یسار نقل کرده.

فهو ضعیف السند بمحمد بن سنان فی الاول و بلالرسال و غیره فی الثانی فلاحظ.

ولی هردو روایت از نظر سندی ضعیف هستند؛ زیرا روایت اول به وجود محمد بن سنان و دومی به سبب ارسال و اشکالات دیگر ضعیف است.

۶- و اما التقیید بكون القتل ظلما فلا خلاف فی اعتباره.

و اما مقید کردن قتل حاجب به اینکه ظالمانه و به ناحق باشد اختلافی در اعتبار آن نیست.

و قد یوجّه بانصراف دلیل المنع الى القتل العمدی فیبقى القاتل خطأ مشمولاً لمطلقات الارث.

برخی در استدلال بر این قید گفته‌اند: ادله‌ای که از ارث بردن قاتل منع می‌کند انصراف به قتل عمدی دارد بنابراین این قتل خطایی مشمول مطلقانعی می‌شود که بر ارث بردن وارث دلالت دارد.<sup>۲</sup>

و یؤید التقیید بالظلم روایة حفص بن غیاث التي رواها الشيخ و الصدوق بسندهما عن سليمان بن داود المنقري عن حفص بن غياث:

تقیید به این که قتل از روی ظلم و به ناحق باشد با روایت حفص بن غیاث که شیخ طوسی و شیخ صدوق به سندی که از سلیمان بن داود منقری از حفص بن غیاث دارند، تأیید می‌شود.

«سألت جعفر بن محمد عليهما السلام عن طائفتين من المؤمنين احدهما باغية و الاخرى عادلة اقتتلوا فقتل رجل من اهل العراق اباه او ابنه او اخاه او حميمه و هو من اهل البغي و هو وارثه أ يرثه؟ قال: نعم لأنه قتله بحق»<sup>۳</sup>.

وی از امام صادق پرسید دو طایفه از مؤمنین با یکدیگر می‌جنگند یک گروه باغی و متجاوز و گروهی دیگر زیر پرچم امام عادل؛ پس مردی از اهل عراق پدر یا پسر یا برادرش یا خویشاوندش را که اهل بغی است کشته و وارث او می‌باشد آیا از او ارث می‌برد؟ امام فرمود: آری زیرا او را به حق کشته است.

و المنقري المعروف بابن الشاذكوني و ان كان ثقة، و هكذا الحال بالنسبة الى حفص، فانه ثقة، الا ان طريق العلمين الى المنقري ضعيف بالقاسم بن محمد الاصفهاني الذي لم تثبت وثاقته فلاحظ<sup>۴</sup>، الا ان ذلك لا يمنع من التمسك بها على مستوى التأييد.

۱. وسائل الشيعة ۱۷: ۳۹۲ الباب ۹ من ابواب موانع الارث الحديث ۳.

۲. نکفای که مصنف از آن غفلت کرده است این که بحث در این است که چرا قتل به قید ظلم مقید شده است در حالی که استدلالی که مطرح می‌شود مربوط به قتل خطایی است در حالی که باید گفت: ادله مانعه، از قتلی که به حق واقع شود مانند قتل قصاصی یا به دستور امام یا در جنگ در صورتی که طرف باغی باشد انصراف دارد.

۳. وسائل الشيعة ۱۷: ۳۹۷ الباب ۱۳ من ابواب موانع الارث الحديث ۱.

۴. مشيخة الفقيه: ۶۵، فهرست الشيخ: ۷۷.



سلیمان بن داود منقروی که به ابن شاذکونی معروف است هر چند ثقه می باشد و همین طور حفص بن غیاث نیز ثقه است ولی در طریق شیخ طوسی و شیخ صدوق به حفص بن غیاث، قاسم بن محمد اصفهانی واقع شده که وثاقتش ثابت نیست ولی می توان از این روایت به عنوان مؤید استفاده کرد.

## ۱۸:۱۸ ⇒ Sco۲

### حاجب بودن رقیّت و بندگی

حاجب بودن رقیّت و بندگی، از احکامی است که فقها بآن اتفاق نظر دارند؛ طبق حکم فقهی یاد شده می توان احکام ذیل را استخراج نمود:

۱ - اگر شخصی که حرّ است وفات نماید به وارثانی از او که تحت رقیّت و بندگی هستند، چیزی از ارث تعلق نمی گیرد. بنابراین اگر برادر میت رقّ و بنده باشد و میت وارث دیگری نداشته باشد، ماترک به امام معصوم تعلق دارد و برادر از ارث محروم است.

۲ - اگر شخصی که عبد است وفات نماید و ماترکی از او بر جای ماند، به خویشاوندان او (اگر چه حرّ باشند) چیزی از ارث تعلق نمی گیرد زیرا طبق قاعده فقهی «العبد و ما فی یدیه کان لمولاه» تمام اموال عبد به مولایش تعلق دارد.

در رابطه با حکم حاجب بودن رقیّت و بندگی، روایاتی نیز وارد شده است که از آن جمله می توان به صحیحیه ی محمد بن مسلم از امام محمد باقر (ع) یا امام جعفر صادق (ع) اشاره نمود که تصریح دارد بر این مطلب که «حر و مملوک از یکدیگر ارث نمی برند»<sup>۱</sup>.

### حاجب بودن زنا<sup>۲</sup>

حاجب بودن زنا نیز از احکامی است که فقها بآن اتفاق نظر دارند؛ طبق این حکم شرعی، اگر به واسطه ی عمل زنای دو شخص، نطفه ی فرزندی منعقد شود، چنین فرزندی از پدر و مادر طبیعی خود ارث نمی برد و همچنین زن و مرد زانی نیز از چنین فرزندی ارث نمی برند.<sup>۳</sup>

۱. «لا یتوارث الحر و المملوک» وسائل الشیعة ۱۷: ۳۹۹ الباب ۱۶ من ابواب موانع الارث الحدیث ۱.

۲. در مورد لقاح مصنوعی بین دو بیگانه، فرزندی که به وجود می آید طبیعی (ناشی از زنا) است، و نه مشروع، مگر اینکه بدون آگاهی باشد که در حکم ولد به شبهه است. رجوع کنید به دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۳، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۳. فرزندی که نطفه ی او از راه زنا متولد شود، فرزند طبیعی زانی و زانیه محسوب می شود ولی فرزند قانونی و شرعی آنها محسوب نمی شود؛ چنین فرزندی، با پدر و مادر طبیعی خود پیوند محرمیت دارد به اینصورت که پدر و مادر نمی توانند با او ازدواج کنند و فرزندان پدر و مادر نیز نمی توانند با او ازدواج کنند؛ ولی فرزند طبیعی مزبور، از پدر و مادر طبیعی خود ارث نمی برد و پدر و مادر طبیعی او نیز از وی ارث نمی برند. طبق قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، شخصی که از زنا متولد شود، شناسنامه ی او با نام خانوادگی پدر طبیعی صادر خواهد شد و اگر پدر او نامعلوم باشد، شناسنامه با نام خانوادگی مادر طبیعی برای او صادر خواهد شد.

طبق قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، فرزندی که به صورت طبیعی (و نه به صورت شرعی و قانونی) متولد شده باشد، تمامی حقوق فرزند قانونی را دارا خواهد بود؛ بنابراین همانند فرزند قانونی از پدر ارث می برد و نفقه ی او نیز بر عهده پدر خواهد بود.

روایات متعددی بر حکم یاد شده دلالت دارند که از جمله آنها می‌توان صحیح‌ه‌ی حلبی از صادق (ع) را برشمرد که اشاره دارد بر این مطلب که اگر شخصی با کنیزی که مالکیت او را ندارد بمبستر شود و او را آبستن کند و سپس کنیز را خریداری نموده و ادعا نماید فرزند به وی تعلق دارد، از آن فرزند ارث نمی‌برد زیرا طبق فرموده رسول خدا (ص)، «ولد به فراش تعلق دارد و برای زناکار سنگ است».

به عبارت دیگر، با توجه به اینکه در زمان انعقاد نطفه، بضع کنیز متعلق به مالک اول بوده است، و کنیز در فراش و مالکیت مالک اول بوده است، نطفه‌ای که در مدت فراش مالک اول منعقد شده نیز به وی تعلق دارد و نفی توان به صرف ادعای مالک جدید مبنی بر همبستر شدن با کنیز مزبور در مدت فراش مالک پیشین، فرزند متولد شده را از حقوق طبیعی خویش محروم کرد.<sup>۱</sup>

### تطبیق

۷- و اما الحجب بالرقیة فلا خلاف فيه،

و اما حاجب بودن رقیت و بندگی در آن هیچ اختلافی نیست

فالرق فی الوارث او الموروث مانع من الارث

بنابر این رقیت در وارث و موروث مانع از ارث است.<sup>۲</sup>

لصحيحة محمد بن مسلم عن احدهما عليهما السلام: «لا يتوارث الحر و المملوك»<sup>۳</sup> و غيرها.

صحیح‌ه محمد بن مسلم از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق (علیهما السلام) نیز بر این مطلب دلالت دارد که فرمود: «حر و مملوک از یکدیگر ارث نمی‌برند». روایات دیگری نیز در این موضوع داریم.

۸- و اما الحجب بالزنا فلا خلاف فيه أيضا، فلا توارث بين الولد و الزاني و لا بينه و المزني بها.

و اما حاجب بودن زنا در آن نیز هیچ اختلافی بین فقها نیست؛ بنابراین اگر مرد و زنی زنا کردند و از زنا آنان نطفه فرزندی منعقد شد آن فرزند از این پدر و مادر ارث نمی‌برد و بالعکس.

و الروایات فی ذلك متعددة، كصحيحة الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام:

روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارند که از جمله آنها صحیح‌ه حلبی از امام صادق (ع) که فرمود:

«ایما رجل وقع علی ولیدة قوم حراما ثم اشتراها فادعی ولدها فانه لا یورث منه شیء فان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: الولد للفراش و للعاهر الحجر»<sup>۱</sup> و غيرها.

۱. این نکته قابل توجه است که فرزند مورد بحث، دارای حق ارث از مالک پیشین است و همچنین دارای پدر قانونی و شرعی است و نفی توان به صرف ادعای مالک جدید کنیز، مبنی بر هم‌بستر شدن غیر قانونی با کنیز، فرزند متولد شده را از حقوقی که پیش از اقرار مالک جدید بدان دست می‌یافت محروم نمود؛ چرا که طبق قوانین اسلامی، اقرار هر شخص تنها می‌تواند بر ضرر خود شخص مورد استفاده قرار گیرد و نفی تواند دیگران را از حقوقی که دارند محروم نماید.

۲. به این معنا که اگر عبد وارث باشد از ارث گذار حر ارث نمی‌برد و اگر عبد موروث باشد مال او به مولایش تعلق دارد و به ورثه حر او نمی‌رسد زیرا «العبد و ما فی یده کان لمولاه».

۳. وسائل الشیعة ۱۷: ۳۹۹ الباب ۱۶ من ابواب موانع الارث الحدیث ۱.

«هر گاه مردی با کنیزک قومی زنا کرد پس از آن او را خرید و ادعا کرد فرزندی که از او متولد می شود از نطفه اوست از آن فرزند ارث نمی برد، زیرا رسول خدا (ص) فرمود: ولد به فراش تعلق دارد و برای زناکار سنگ است» روایات دیگری نیز در این زمینه وارد شده است.

## چکیده

۱. در حجب بودن قتل عمدی ظالمانه هیچ اختلافی وجود ندارد و روایات متواتری مانند صحیحہ ی ابو عبیدہ حذاء بر این مطب دلالت دارند.
۲. مشهور فقہا عمدی بودن را در قتلی که موجب حجب می شود لازم می دانند و به روایاتی مانند صحیحہ ی عبد الله بن سنان تمسک کرده اند.
۳. اگر چه برخی روایات بر ارث نبردن، حتی در قتل خطایی دلالت دارند ولی این روایات اشکالاتی مانند ضعف سند دارند و قابل تمسک نیستند.
۴. برخی از فقہا در جمع بین روایاتی که در قتل خطایی بر عدم ارث دلالت دارند و روایاتی که در این حالت، بر ارث بردن دلالت دارند چنین گفته اند که روایاتی که حاکی از ارث بردن قاتل از مارتک مقتول در قتل خطایی هستند، به غیر دیه از مارتک مقتول انصراف دارند.
۵. همه ی فقہا اتفاق نظر داند بر اینکه تنها قتلی حجب است که ظالمانه باشد ولی اگر به مظلور قصاص و یا به حکم حاکم شرع و امام باشد موجب حجب نیست و در این حکم به روایتی که شیخ طوسی و شیخ صدوق نقل می کنند به عنوان مؤید می توان تمسک نمود.
۶. حجب بودن رقیّت مورد اتفاق فقہاست و رقیّت در وارث و موروث مانع از ارث است.
۷. نسبت به حجب بودن زنا هیچ اختلافی بین فقہا نیست؛ بنابراین اگر مرد و زنی زنا کردند و از زنای آنان نطفه فرزندی منعقد شد آن فرزند از این پدر و مادر ارث نمی برد و بالعکس.